

ساز تار را یاد گرفتیم . همه این اساتید از شاگردان آقای جلیل شهنواز بودند و سبک شهنواز کار می کردند. بعد از گرفتن دیپلم موسیقی، به تهران رفتم و در دانشگاه رشته نوازندگی را نزد آقای جهان شاه سارمی و ارشد طهماسبی و داریوش طلایی ادامه دادم و در بیرون از دانشگاه نیز نزد آقای ساکتی کار کردم. در سال های آخر دانشگاه، با واسطه یکی از دوستان، وارد مرکز موسیقی صدا و سیما شدم و به کار نوازندگی و آهنگ سازی و ضبط موسیقی پرداختم و در همین جا بود که با استاد روان شاد، مجتبی میرزاده، آشنا شدم. آهنگ سازی و تنظیم آهنگ را نزد این استاد یاد گرفتیم . ایشان در این زمینه، تا آن زمان که یادم هست، شاگردی نداشتند و من به واسطه دوستی و نزدیکی خیلی زیادی که با او داشتم، توانستم اصول و ارکستر و سازبندی را پیش ایشان یاد بگیرم. و بعد مشغول کار با خواننده های مختلف شدم ، از جمله با آقای افتخاری حدوداً بیش از ۱۰۷ ترانه کار کردم که حدود ۷ آلبوم با ایشان دارم و بقیه هم تک ترانه هایی بوده که دیگران سفارش داده اند. با آقای مختاباد هم کار کرده ام.

احمد آدم: به غیر از آقای افتخاری که بیشتر کارهایتان با ایشان بوده، با چه خواننده های دیگری کار کردید؟

بهزاد خدارحمی: با آقای محمد اصفهانی کنسرت دادم، با آقای احسان خواجه امیری آلبوم های مختلفی کار کردم و همچنین با آقایان: سالار عقیلی ، سینا سرلک و آقای احسان سراج، که برایشان یا آهنگ ساختم یا در کنسرت هایشان شرکت داشتم و یا روی آلبوم هایشان کار کردم.

احمد آدم: کار تنظیم چطور؟



گپی با بهزاد خدارحمی

آهنگساز و نوازنده برجسته موسیقی ایران

حضور آقای بهزاد خدا رحمی، نوازنده تار و آهنگ ساز معروف کشورمان در هوستون، فرصتی را به وجود آورد تا بتوانیم در محضرشان باشیم و با ایشان گپی بزنیم و جویای حال و احوال و کارشان شویم.

در این جا حاصل گپ ما را که چهره ایشان را به شما خوانندگان عزیز و علاقه مند به موسیقی بیشتر می شناساند، به نظر می رسانیم.

احمد آدم: آقای خدا رحمی، قبل از هر چیز باید بگویم بسیار خوشحالم که شما را در هوستون می بینم . برای شروع سخن، از خودتان بگوئید . اینکه اهل کجا هستید و چطور شد که به کار آهنگ سازی و موسیقی رو آوردید .

بهزاد خدارحمی: من در سال ۱۳۵۶ در اصفهان به دنیا آمدم. پدرم قرنی و ساکسیفون می زد و سازهای بادی را آموزش می داد. ما پنج خواهر و دو برادر هستیم که همه ساز می زنیم. اول به تشویق پدرم، همگی نواختن ساز تمبک را شروع کردیم تا ریپ شناسی مان قوی باشد. بعد از چند سالی که ساز تمبک را نواختم، وارد هنرستان موسیقی شدم و بعد نزد اساتید اصفهانی که استاد یزدانی، استاد سیاره، آقای مزدک و آقای رضوانی بودند، نواختن

صورت هماهنگ استفاده کردید. برخلاف اینکه سازها را توی خط های مختلف می نویسند، شما همه سازها را توی یک خط نوشتید.

بهزاد خدارحمی: خیلی از بزرگان موسیقی عقیده دارند تنظیم چند خطی برای موسیقی ایرانی باعث می شود که زیبایی آن از بین برود و شنونده خط اصلی ملودی را گم کند. من ارکستر را نزد آقای میرزادی یاد گرفتم و معمولاً در تمام کارهای تنظیم آقای میرزاده یکی دو خط تنظیم بوده است.



احمد آدم: درست مثل برنامه گُلها که خیلی به دل می نشست و الان هم جای این گونه برنامه ها خالی است. خُب، شما که خیلی آهنگ ساخته اید و با خواننده های مختلف کار کرده اید، اکنون موسیقی ایران را چگونه می بینید، بخصوص موسیقی اصیل ایرانی. آیا در آن پیشرفتی نسبت به قبل می بینید؟

بهزاد خدارحمی: موسیقی ایرانی در حال حاضر از وضعیت خیلی خوبی برخوردار است ولی مشکل خیلی بزرگی که باعث کُندی روند پیشرفت موسیقی شده، این است که دچار خواننده سالاری شده و به عوامل پشت صحنه مانند نوازنده، آهنگ ساز، تنظیم کننده و شاعرانی که بسیار زحمت می کشند و باعث پیشرفت خواننده می شوند، توجهی نمی شود و به واسطه این که آنها در مراحل خیلی عقب قرار گرفتند، دیگر آن انگیزه را برای دادن کارهای خوب به خواننده ها ندارند. مثلاً آهنگ ساز هرچه قدر زحمت بکشد و آهنگ خوبی بسازد، و شاعر نیز شعر خوبی بگوید و تنظیم کننده نیز تنظیم خوبی داشته باشد، همه آنها، پله ای برای بالا رفتن خواننده و گرفتن دستمزدهای بیست برابر و سی برابر او نسبت به دیگر عوامل است و هیچ اسمی هم از آنها برده نمی شود. بنابراین باید در مورد خواننده سالاری فکری بکنند که همانطور که خواننده معرفی و معروف می شود و مورد تشویق قرار می گیرد، دیگر عوامل موسیقی نیز مورد توجه و عنایت قرار گیرند. شما ببینید، وقتی الان می خواهند آهنگ استاد تجویدی را معرفی کنند، هیچ کس نمی گوید آهنگ استاد تجویدی را بگذارید، بلکه می گویند آهنگ مرضیه را بگذارید، یعنی آن خواننده سالاری قدیم دوباره دارد باب

ادامه در صفحه ۶۶

بهزاد خدارحمی: معمولاً تمام آهنگ هایی را که ساختم، خودم تنظیم کردم بجز آهنگ های جاودان های موسیقی که آهنگ های اساتید والامقام موسیقی مثل استاد تجدیدی، استاد حبیب الله بدیعی، اسداله ملک بودند که من با افتخار آنها را تنظیم دوباره کردم و آقای افتخاری خواندند. برای استاد ایرج هم خیلی کار تنظیم کردم.

احمد آدم: می بینم که شما خیلی کارها را برای آقای افتخاری آماده کردید از جمله آلبوم «سفر» را. این آلبوم «سفر» برخلاف آلبوم های دیگر خیلی سر و صدا کرد و البته حرف های ضد و نقیضی هم بین مردم به وجود آمد. یک عده خیلی خوششان آمد و یک سری هم از چیزهایی ایراد گرفتند مثلاً اینکه چرا شما از ساز آذری استفاده نکردید یا چرا از سازهای الکترونیکی استفاده کردید. در مورد این آلبوم بیشتر توضیح بدهید.

بهزاد خدارحمی: بعضی از مردم دوست دارند خواننده ای که سنتی می خواند تا آخر عمرش سنتی بخواند. البته من چنین اعتقادی ندارم. من معتقدم هنرمند باید به رفتار و عقیده و انتظار مردم احترام بگذارد. حالا که مردم موسیقی تلفیقی پاپ و سنتی را دوست دارند، پس ما هم باید به عقیده آنها احترام بگذاریم و کاری را که دوست دارند برایشان تهیه کنیم.

آلبوم «سفر»، برخلاف آلبوم های دیگر، یک آلبوم کاملاً تلفیقی بود. ما سازهای ایرانی، سازهای مدرن و کلاسیک و محلی را با هم تلفیق کردیم که البته خیلی ها دوست داشتند و خُب با طبع عده ای دیگر سازگار نبود.

احمد آدم: یکی از سوال های راجع به این آلبوم این بود که چرا از سازهای مختلف به

گفتگو با: بهزاد خدارحمی

مهستی، حمیرا یا دوستان خواننده دیگر مثل آقای معین را مردم سال ها و سال ها زمزمه می کردند.

احمد آدم: شما در نواختن سازهای مختلفی مانند تار، تمبک، دف، سه تار و دیوان تبعه دارید. از میان این همه ساز کدام یک بیشتر به دستان می نشیند؟

بهزاد خدارحمی: من بیشتر با تار ارتباط دارم و این ساز را دوست دارم. تار ساز کاملی است و می تواند تمام احساسات ما را برآورده کند.

احمد آدم: در آهنگسازی چه روشی دارید. آیا آهنگ را می سازید بعد روی آن شعر می گذارید یا اینکه تزیین را به شما می دهند و روی آن آهنگ می گذارید.

بهزاد خدارحمی: به نظر من، اینکه یک شعری بدهند و آهنگساز روی آن آهنگ بسازد، نمی تواند اثر گذاری خوبی داشته باشد. البته این حرف مطلق نیست. به هر حال ما همچنان به سبک خودمان و اساتید قدیمی، یک ملودی را در ذهن پرورش می دهیم و یک مهری از خودمان روی آن می گذاریم و بعد شاعر بر روی آن آهنگ و براساس سوزها ما، شعرش را می سراپد.

احمد آدم: آیا موسیقی ایرانی در این سال های آخر آسیب پذیر شده است؟

بهزاد خدارحمی: موسیقی ایرانی به واسطه همین مشکل خواننده سالاری که تمام عوامل موسیقی را از هم پاشانده، می تواند از همه لحاظ آسیب پذیر باشد. وقتی شاعر دلخوش نباشد، آن هم به دلیل اینکه مثلاً اسمش در اثر موسیقی برده نشده و هم از نظر مالی و هم از نظر معنوی از او تشکری نشده، بنابراین چنان انگیزه ای ندارد تا شعری قوی بسراید و در نتیجه برای رفع تکلیف و اینکه فقط دستمزدی بگیرد،

و انتظار مردم پیش ببرند قابل احترام است. در عین حال باید گفت که در این سال ها آهنگ های ساخته شده در خارج از کشور، زود آدم را جذب می کنند و زود هم به فراموشی سپرده می شوند. مدتی است که رد پای پیشکسوت های قدیمی مثل آقای جهانبخش پازوکی، آقای شمعی زاده، سیاوش قمیشی و بیژن مرتضوی و دوستان دیگری که

می شود. به هر حال اگر حق این ها با هم برابر شود، شاید انگیزه ای برای همه بشود. به همین دلیل، وضعیت نوازنده ها و آهنگ سازها در حال حاضر کمی به هم ریخته است.

احمد آدم: اتفاقاً در همین زمینه که اشاره کردید، ما مقاله ای داشتیم از آقای علیرضا جواهری که راجع به مشکل خواننده سالاری



اسمشان یادم نیست، به عنوان آهنگ ساز و تنظیم کننده دیده نمی شود و دوستان جواتر هم که تجربه شان نسبت به آنها کمتر است، کارهایی را عرضه می کنند که زود گذرند، مثلاً در عرض دو هفته یا سه هفته خیلی سروصدا می کنند و پس از یکی دو ماه دیگه هیچ اثری از آن ها نیست. در حالی که اگر قدیم ها یادتان باشد، آهنگ های خاتم

خیلی مصلحت توضیح داده بودند. امیدواریم روزی این مشکل حل شود و هر هنرمندی جایگاه خاص خودش را داشته باشد.

شما در مورد موسیقی پاپ خارج از کشور چه نظری دارید؟

بهزاد خدارحمی: موسیقی پاپ شاید از نظر محتوی، مخصوصاً شعر، ضعیف باشد ولی چون سعی می کنند آن را با نظر و عقیده

شعری می گوید. آهنگ ساز و نوازنده هم همینطور.

احمد آدم: به نظر شما، شیوه نارفوازی کلنل وزیری چرا پانگرفت و ادامه پیدا نکرده؟

بهزاد خدارحمی: مردم ایران چون مردمانی احساسی اند و تابع احساس، تقریباً نوع موسیقی که دوست دارند موسیقی توأم با آرامش است. برای همین موسیقی تند، موسیقی تکنو هیچ موقع در ایران پانگرفته و پانخواهد گرفت. طبیعتاً برای سازها هم همین روال را دنبال می کنند. برای مثال ساز زدن استاد شهنواز یا استاد شریفی را که آرامتر و با آرامش تر است، معمولاً ترجیح می دادند تا ساز زدن نوازنده های تکنیکی و خیلی با سرعت را. من فکر می کنم یکی از علت هایش همین تکنیک نوازی خاص بوده که هیچ احساس آرامش در آن موجود نبود.

احمد آدم: نظرتان درباره کارهای آقای عزیزاده چیست؟

بهزاد خدارحمی: آقای عزیزاده سعی کرد که آن تکنیک خاص را با احساس در هم آمیزد و در نتیجه با استقبال مواجه شد.

احمد آدم: از آن زمانی که تصمیم گرفتید که نواختن ناز را یاد بگیرید، از میان هنرمندان نارفوازی، چه کسی بیشتر بر روی شما اثر گذاشت؟

بهزاد خدارحمی: من از همان ابتدا که نواختن ساز تمبک را شروع کردم و وارد کار موسیقی شدم، و حتی می توانم بگویم حتی قبل از آن، به ساز استاد شهنواز گوش می دادم و دوست داشتم که به سبک ایشان تار بزنم و افتخار می کنم اگر سبکم شبیه ایشان باشد.

احمد آدم: شما برای جوانانی که دوست

دارند به کار موسیقی بپردازند، چه پیشنهادی دارید، از کجا باید شروع کنند؟

بهزاد خدارحمی: من به دوستان جوانم - به عنوان برادر کوچک - پیشنهاد می کنم که احترام اساتید و پیشکسوتان خودشان را نگه دارند. زیرا اگر آنها نبودند شاید موسیقی ما در این مکاتی که قرار گرفته است، نمی بود و این ساز و موسیقی را هم نداشتیم و به بیراهه کشیده می شد، به علاوه، همیشه موسیقی را بطور علمی یاد بگیرند. چون با این گونه یادگیری، می توانند هم نوازنده خوبی باشند و هم آهنگ ساز و هم تنظیم کننده خوبی باشند و اگر هم قرار باشد یک روزی خواننده شوند، حتی اگر صدای خوبی نداشته باشند، مثل دوستان خواننده ای که می شناسیم و موسیقی کار کرده اند و درست می خوانند، اگر زیبا هم نخوانند حداقل درست بخوانند.

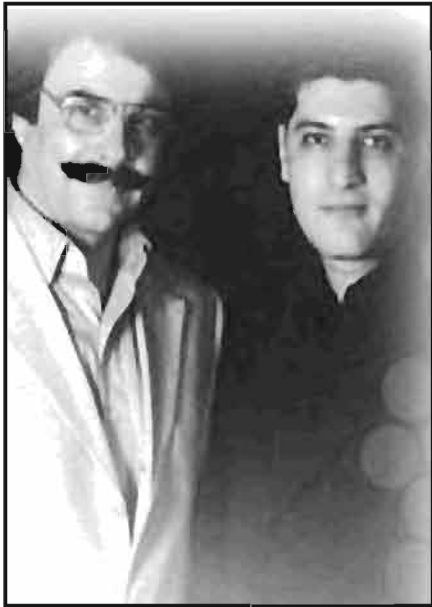
احمد آدم: شما با خواننده هایی که کار کرده اید، بیشتر با کدام یک راحت تر بودید و شوق بیشتری داشتید که با او کار کنید؟

بهزاد خدارحمی: کار با آقای افتخاری به واسطه تجربه ای که داشت، خیلی راحت تر بود. البته هر خواننده ای مشکلات خاص خودش را با نوازنده، با آهنگساز و عوامل تهیه کننده دارد. الان هم مدتی است با آقای بامداد فلاحتی کار می کنم که سبک جدیدی در موسیقی دارند و انشاءالله در چند ماه آینده که این جا برنامه داریم، در خدمتشان هستیم.

احمد آدم: منظورتان از سبک جدید چیست؟

بهزاد خدارحمی: ایشان از شعرهای نو برای موسیقی بهره برده اند. از طرح ها و ملودی های نو بر روی شعرهای قدما استفاده

کرده اند تا از یک نواختی قدیمی در بیاید. آقای بامداد مدتی با استاد ذوالفنون کار کرد و الان مدت یک سال و نیم است که من در خدمت ایشان هستیم و با هم کار می کنیم. در ایران خیلی با هم برنامه داشتیم و من چند ترانه هم برایشان تهیه کردم و انشاءالله که بتوانم در خدمت ایشان باشم.



احمد آدم: به عنوان حسن ختام، اگر صیحت و دردهای برای خواننده های مجله عاشقانه دارید، بفرمایید.

بهزاد خدارحمی: به همه آنها سلام دارم و امیدوارم سلامت و تندرست باشند و راهشان را به خوبی ادامه بدهند و این را بداند که، کسی که تازه دارد ضرب در موسیقی را یاد می گیرد، هفت نت موسیقی را یاد می گیرد تا بالاترین اساتید موسیقی، همه و همه پشتوانه موسیقی ما هستند و جامعه کوچک موسیقی مان را حفظ می کنند. دست همه آنها را می بوسم.

احمد آدم: ما از شما قدردانی می کنیم و سپاسگزاریم که وقتتان را برای این گفتگو در اختیار ما گذاشتید. موفق باشید.